

**گفت‌وگو با منور شایسته‌خو، مدیر مکتب نرجس**

**درباره شخصیت و زندگی بانو سیده‌فاطمه خاموشی (طاهایی)**

# استاد در قامت مادر

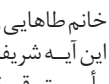
امید حسینی‌نژاد

جلسه‌های در سش در مشهد اوج گرفته بود. در یکی از روزهای داغ قبل انقلاب، در مکتب نرجس برای بانوان، آیات مربوط به موسی و فرعون را تفسیر می‌کرد. پس از گذشت چند روز، ساواک به او پیغام داد: «تو با موسی و فرعون چه کار داری؟ اِ اِ اِ اِ اِ احکام بگو.» او نیز در جواب گفت: «من همین را خواهم گفت.» و این اتفاق سبب شد ساواک ۳سال مکتب نرجس را تعطیل کند. فاطمه سید خاموشی، مشهور به طاهایی، بانویی فرهیخته و انقلابی بود که پس از ورود به مشهد در سال۱۳۳۵ خورشیدی، کلاس‌های درس خود را شروع کرد. هم‌زمان در درس‌های علمای بزرگ دوره خود شرکت و از محضر آنان کسب فیض می‌کرد. مقام معظم رهبری، آیت‌ا...میلانی، آیت‌ا...نهایندی، شهیدهاشمی‌نژاد و دایی بزرگوار خانم طاهایی، آیت‌ا...میرزا جواد تهرانی، از جمله استادانی بودند که خانم طاهایی برای کسب معارف اهل بیت<sup>ع</sup> نزد آنان می‌رفت. اما استادی که سبب شد جوشش‌های انقلابی او قوت بگیرد و گام‌های مؤثری برای قیام اسلامی بردارد، مقام معظم رهبری بود. او از سال‌ها قبل از انقلاب، همسایه مقام معظم رهبری بود. به همین دلیل به صورت مداوم در مباحث و درس‌های ایشان شرکت می‌کرد. حتی با آیت‌ا...خانمهای مباحثاتی نیز انجام می‌داد. ۱۳ بهمن ماه، سالروز وفات این بانوی فرهیخته و پرتلاش و بنیان‌گذار مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس است. به همین مناسبت گفت‌وگویی با یکی از شاگردان ایشان و مدیر کنونی مکتب نرجس، خانم منور شایسته‌خو، درباره بررسی ابعاد زندگی و شخصیت علمی و تبلیغی خانم طاهایی انجام داده‌ایم.

● آشنایی شما با خانم طاهایی از چه زمانی شروع شد؟ مکتب نرجس قبل از انقلاب از چه سالی شروع به فعالیت کرد و بعد از انقلاب دایره این فعالیت‌ها چه بود؟

ابتدا قصد دارم گفت‌وگو را با آیه شریفه‌ای از قرآن کریم آغاز کنم. خداوند در سوره نمل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً.» من به عنوان کسی که ۲۵سال شاگردی مرحوم

خانم طاهایی را کرده‌ام، می‌توانم ایشان را امصادق بارز این آیه شریفه بیان کنم. فردی که تولد او با همین مأموریت رقم خورد و ایشان زحمات بسیار زیادی در زمینه ترویج و نشر مبانی دین مبین اسلام به‌ویژه در بین بانوان کشید. به‌نظم ایشان در زمان خودش از معدود بانوانی بود که با عنصر شجاعت، شهامت، تقوا، اخلاص و استقامت برنامه‌ای را شروع کرد و با کمال حیا و عفاف توانست پایه‌گذار حرکتی برای تربیت یکی از عناصر مهم جامعه یعنی بانوان باشد. زنان یک جامعه، محور مهندسی صلاح و فساد یک جامعه هستند. استناد من دراین باره به آیات ۱۰تا ۱۲ سوره تحریم است. آنجا



خداوند مهندسی صلاح و فساد یک جامعه را حول محور زنان تبیین می‌کند و با معرفی ۴ زن اعلام می‌کند که اگر زنی در جامعه، صالح باشد، جامعه صالح می‌شود و اگر زنی کافر باشد، حتی اگر با پیامبری زندگی کند، عامل فساد جامعه خواهد شد. سبب آشنایی من با خانم طاهایی شرکت کردن مادرم در درس‌های ایشان حتی در زمان تعطیلی این مکتب بود. پس از بازشدن مکتب، دوباره حضورمان در مکتب نرجس پررنگ‌تر شد، زیرا این مکان برای مردم به‌ویژه بانوان شهر و حتی بانوان شهرستان‌های دیگر محل رجوع بود. جشن‌های بزرگی در مکتب نرجس برای بانوان برگزار می‌شد، از جمله جشن بزرگ نیمه‌شعبان که یکی از برنامه‌های مهم این مکتب در سال بود. خانم طاهایی تدبیری داشتند که برای بانوان فرهیخته شهر نیز برنامه‌های تخصصی برگزار می‌کردند، حتی دوره‌های ضمن خدمت را برای بانوان فرهنگی تشکیل می‌دادند و این موضوع سبب می‌شد تفکر دینی در جامعه فرهیخته بانوان نیز توسعه پیدا کند.

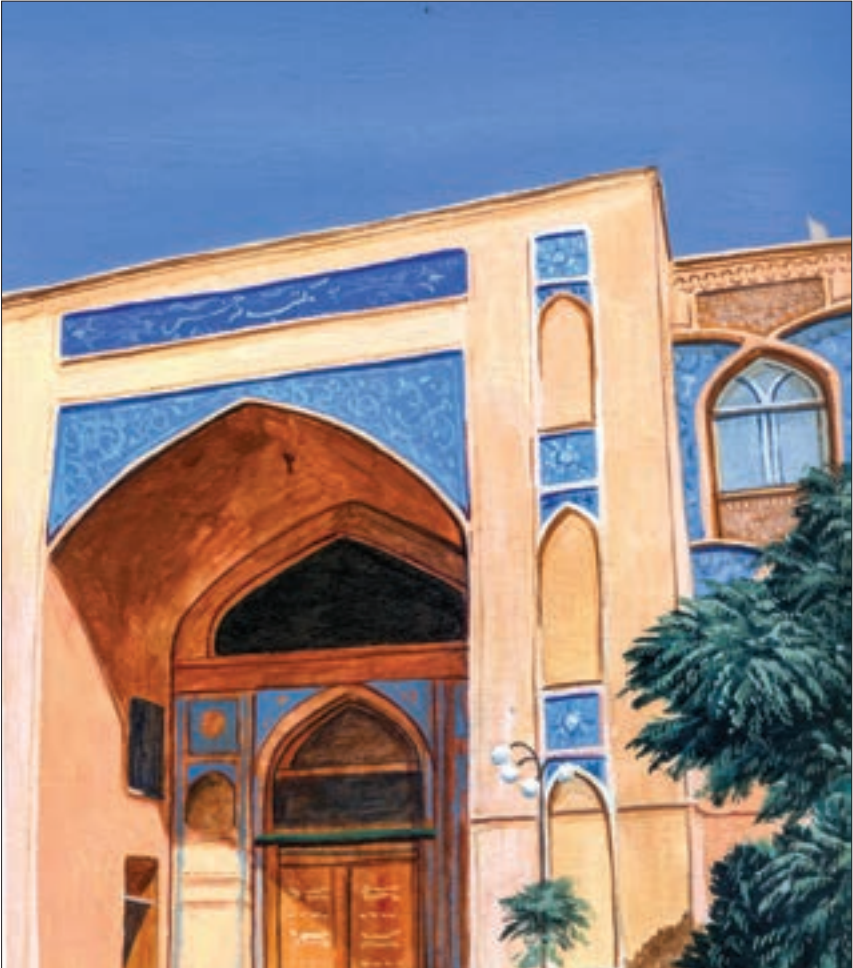
● مرحوم طاهایی قبل و بعد انقلاب سخنرانی‌های متعددی در زمینه معارف اسلامی داشت. دامنه تأثیرگذاری این سخنرانی‌ها در آن دوره چگونه بود؟

خانم طاهایی حرکت بسیار هوشمندانه و مدبرانه‌ای، یعنی جهاد علمی و معنوی و جهاد با طاغوت، را با هجرت خود از تهران به مشهد و بعد از ازدواجش شروع کرد. ایشان همراه با همسرش، حجت‌الاسلام‌والمسلمین طاهایی، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به مشهد هجرت کرد. همسر خانم طاهایی علاوه‌بر اینکه در کسوت روحانیت و تبلیغ بود، مغازه‌ای نیز در مشهد داشت و گذران زندگی را از این‌راه پیگیری می‌کرد. خانم طاهایی در بدو ورود به مشهد، در منزل خودش تدریس را برای همسایه‌ها و آشنایان شروع کرد، هم‌زمان با اینکه خودش مشغول به تحصیل در محضر پدر همسرش بود. علاوه‌بر آن استادان دیگری نیز داشت که از محضر پرفیض آنان بهره می‌برد، از جمله مقام معظم رهبری، آیت‌ا...میلانی، آیت‌ا...نهایندی و دایی بزرگوار خانم طاهایی، مرحوم آیت‌ا...میرزا جواد تهرانی. این تلاش‌های علمی، با شروع جنبش انقلاب اسلامی و پس از آن تبعید امام هم‌زمان شده بود. مشهد نیز یکی از پایگاه‌های اصلی انقلاب اسلامی در کشور بود. خانم طاهایی در کنار فعالیت‌های علمی به مبارزات انقلابی نیز می‌پرداخت. پایه‌گذاری مبنای فکری و تفکر انقلابی ایشان برگرفته از آموزه‌های مقام معظم رهبری بود. سال ۱۳۴۵ نیکوکار محترمی مکان فعلی مکتب نرجس را اهدا کرد و کلنگ احداث آن را مرحوم آیت‌ا...میلانی زد. این ساختمان با کمک‌های مردمی و خیران ساخته شد و خانم طاهایی به صورت رسمی در این مکان طلبه می‌پذیرفت. از جمله برنامه‌هایی که ایشان داشت، این بود که پایه‌پای رهبران انقلاب اسلامی حرکت می‌کرد و جلسات روشنگری برای بانوان در شهر و شهرستان‌ها

برگزار می‌کرد و این سفرها باعث می‌شد در هر مکانی که به سخنرانی می‌پرداخت، همان‌جا را پایگاه مکتب نرجس اعلام کنند. در زاهدان، بیرجند، سبزوار و در شهرهای دیگری فعالیت مهم انقلابی را رقم زد و گام‌های اول تأسیس مکتب نرجس در شهرهای دیگر با همین اقدامات برداشته شد. پس از پیروزی انقلاب نیز مکتب نرجس زیرنظر مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان فعالیت‌های رسمی خود را شروع کرد.

● رویکرد مرحوم طاهایی در تربیت شاگرد در مکتب نرجس و دیگر مراکز علمی چگونه بود؟ شاخصه‌های تربیتی ایشان چگونه تبیین می‌شود؟

تأثیرگذاری خانم طاهایی به دلیل شاخصه‌های وجودی و فردی‌اش بود. از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز ایشان، اخلاص نابش بود. ایشان به‌هیچ‌عنوان به دنبال مشهورشدن نبود و ارادت عجیبی به اهل بیت<sup>ع</sup> داشت. ارادت وافر ایشان به حضرت زهرا<sup>ع</sup> در فکر و عملش نیز متبلور بود. به‌هیچ‌عنوان به دنبال این نبود که جو مراد و مریدی در نزد شاگردانش ایجاد شود و با اطرافیان خود نرمی و لطافت بسیاری داشت و همین موضوع باعث جذب زیاد ایشان بود. حتی بعضی شب‌ها در بین طلبه‌های ماند و این سبب می‌شد که طلبه‌ها به ایشان علاقه‌مند شوند. از ویژگی‌های مهم ایشان به‌روزبودن بود. همیشه از اتفاقات مهم جامعه آگاهی پیدا می‌کرد، حتی در سن هفتادسالگی تصمیم گرفت که برای کار با رایانه آموزش ببیند و مدرسه‌ما از جمله اولین مدرسی بود که اتاق رایانه تأسیس کرد و پس از آن دستور تأسیس سایت مکتب نرجس را داد. این‌ها همه نشان‌دهنده



نقشهٔ محصوران در آیدان شهریار

این است که ایشان با مسائل روز آشنایی کامل داشت. ملاک اصلی خانم طاهایی برای تربیت افراد این بود که هرکسی باید براساس ظرفیت‌های وجودی‌اش در مسیر تربیت گام بردارد. روش اصلی ایشان نیز در مسیر تربیت عملی بود و کمتر دیده می‌شد که بایندوبایدهای زبانی به ما بگویند. یکی از رفتارهای مدیریتی شاخص ایشان، این بود که همیشه در اتاقش به روی طلاب باز بود و هرکسی در هر زمانی قصد مراجعه و صحبت با ایشان داشت، می‌توانست با ایشان ارتباط برقرار کند. یکی دیگر از نکات مهم تربیتی، نگاه مادرانه ایشان به طلاب بود. طلبه‌های جوان مدرسه علاقه زیادی به ایشان داشتند و علت اصلی این علاقه این نگاه مادرانه و همدلانه ایشان بود. لطافت رفتار و روش مناسب مواجهه و ادبیت‌اش با جوان‌ها سبب شد این امر توسعه پیدا کند. نگاه ایشان برای تربیت طلاب غیرایرانی یکی از ویژگی‌های بارز خانم طاهایی بود. ایشان معتقد بود که ما نباید فقط به شهر خودمان اکتفا کنیم، بلکه برای توسعه معارف اسلامی در دیگر کشورها نیز باید تلاش کنیم، به همین دلیل از سال ۵۹ اقدام به جذب طلاب غیرایرانی در مکتب نرجس کرد. خانم طاهایی سرمایه‌گذاری زیادی روی این طلاب کرد. ما حتی طلاب تازه‌مسلمانانی از کشور

چین داشتیم، اما خانم طاهایی باسعه‌صدر خوبی به آموزش این طلاب پرداخت و اکنون هر یک از آن‌ها در کشورهای خودشان به توسعه معارف اسلامی مشغول‌اند.

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

شايع است، تاحدی به چشم نمی‌آید. مشکل از این قرار است: مشغولیت مفرد و برنامه‌های زمانی درهم و شلوغ و تأثیرشان بر زندگی روحی و عاطفی‌مان. غیر از این‌ها، این کتاب به ما می‌گوید برای آنکه پربارتر زندگی کنیم، چطور با چنین مشکلاتی روبه‌رو شویم و حشاش کنیم. نویسنده این کتاب از نیاز به پرورش کنجکاوی و خودشناسی دفاع می‌کند و نیز لذت بردن از لحظات بیکاری و معاشرت رودررو، او براساس روان کاوی، عصب‌شناسی و همچنین ادبیات تأکید می‌کند که پسندها و اهدافمان را دریابیم و ذخایر درونمان را تجدید کنیم. نویسنده می‌خواهد با این کتاب خواننده‌را با انگیزه‌تر از پیش به زندگی‌اش پیوند دهد تا تجربیاتش عمق و معنای

گروه اندیشه | آخرین بار که فرصت

کردید کسل شوید، کی بود؟ سکون و بی تحرکی گاه چنان یأس آور است که آدم را از پا می‌اندازد، ولی ما در دنیای مدرن از آن سوی بام افتاده ایم. ما در عصری بی قرار و پرتاب زندگی می‌کنیم. مشغولیت پیوسته به ظاهر هیجان انگیز است، ولی از لحاظ عاطفی آشفته‌مان می‌کند و قوای ذهنی‌مان را تحلیل می‌برد. چطور به توازنی درونی برسیم و از کنار تجربه‌های زندگی سرسری نگذریم و درست در کشان کنیم؟ این کتاب در باب مشکلی است که چون زیادی

## مشغولیت‌های دنیای مدرن آشفته‌مان کرده است

بیشتری پیدا کند. راه ورش‌های زیادی برای زندگی کردن داریم، ولی بی هدف و بی معنا زیستن یعنی ازدست‌دادن خود زندگی. اگر شتاب‌زده و گرفتار کارهای مدام و بی توقف و بدون تأمل درباره اینکه داریم چه می‌کنیم، روزها و ماه‌های زندگی را پشت سر بگذاریم، در کل از دستمان در می‌رود که داریم چه می‌کنیم و چرا چنین می‌کنیم و چرا برایمان مهم است. اگر قارمان بر این است که گنگ و خواب‌زده کاری از پس کار دیگر نکنیم و به تجربیاتمان معنا و عمق بدهیم، باید جهت حرکتمان را در زندگی و در درون خودمان مشخص کنیم: خیال‌پردازی کنیم، لذت ببریم، ببندیشیم و گاه نیز دچار ملال شویم.

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

## فقر تاریخی‌نگری؛ معضل بزرگ روشن‌فکری دینی

من معتقدم از مهم‌ترین راه‌های اصلاح اندیشه و فهم ما از دین و مذهب، شناخت دین و منابع دینی در بستر تاریخی آن است. این شناخت درک ما را از تحول تاریخی فهم‌های دینی ارتقا می‌دهد. اگر خواهان

اجتهداد در اصول و فروعیم و اگر می‌خواهیم درک درستی از دیالکتیک «نص» و «تاریخ» و سهم مقتضیات زمان و مکان در فهم فقیهان و متکلمان از دین و منابع دینی داشته باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به تاریخ مراجعه کنیم، قرآن را در بستر تاریخی عصر نزول و

سیره پیامبر اکرم<sup>ص</sup> ببینیم و تعامل صحابه و نسل‌های بعدی را در مواجهه با قرآن و وحی، پیامبر و سنتش، معنای شریعت و نسبت آن با امر دولت و قدرت دینی بفهمیم. همچنین شناخت خود را از عوامل بروز و تحول دانش‌های دینی به‌ویژه آنچه در نسبت با امر شریعت و قدرت دینی شکل گرفت، مانند فقه و مذاهب آن، دانش اصول و همچنین مکاتب تفسیری به‌درستی اصلاح کنیم و تحول فکر و فهم دینی را بفهمیم. همه این‌ها نیازمند تخصص در تاریخ و آشنایی عمیق با منابع تاریخی و متون است. باید به شکل تخصصی در تاریخ کار کرد. در حوزه‌های علوم دینی ما امروزه کسانی هستند که به ارزش مطالعات تاریخی پی برده‌اند و از آن در بحث‌های فقهی و اصولی و رجالی خود بهره می‌برند (از اعلام معاصر اینجا یاد می‌کنم، اما از درگذشتگان باید از استادم، آیت‌ا...علامه شیخ محمدرضا جعفری، نام ببرم که دانشی عمیق در حوزه تاریخ تفکر دینی و متون داشت). در سنت دانشگاهی ما در ۸۰سال گذشته آشنایان با تاریخ تفکر کم نبوده‌اند. عباس زریاب‌خویی نمونه برجسته آنان بود. ما در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی چندین سال شاهد دقت‌ورزی‌های او در فهم سیره و تاریخ اسلام بودیم. عباس زریاب‌خویی تاریخ اسلام و تفکر اسلامی را خوب می‌شناخت. در عین حال تاریخ ایران را نیز به خوبی می‌دانست. به‌درستی می‌دانست عوامل سازنده فرهنگ ما و ایران امروز ما کدام‌اند. او تاریخ ایران را به‌عنوان یک کل و یک وحدت در عین کثرت از دوران هخامنشی تا امروز می‌شناخت و ایران را در پرتو این چهارچوب می‌فهمید و تاریخ ایران را به‌مثابه «تاریخ ملی» می‌شناخت. او می‌دانست که ایران فارغ از جغرافیای سیاسی‌اش یک تاریخ پیوسته فرهنگی دارد که ریشه و سابقه‌اش به چند هزار سال فرهنگ و دولت ملی می‌رسد. به همین علت به قدر فرهنگ ملی ایران را می‌دانست و قدران فرهنگ دینی و مذهبی آن بود. او می‌دانست صفویه سنگ‌بنای دولت ملی نوین در ایران را گذاشتند.

روشن‌فکری دینی از اصلاح دینی زیاد سخن می‌گوید. اما به نظر من این سنت فکری از فقر تاریخی‌نگری رنج می‌برد؛ بینشی که لازمه هرگونه تفکر نقادانه و اصلاحی در عرصه دین و فهم دینی است. روشن‌فکران دینی در کشورهای عربی به‌دلائل مختلف از این نظر وضع بهتری دارند. شاید دلایل این است که نمایندگان روشن‌فکری دینی در آن کشورها تحصیلات اصلی‌شان در حوزه تاریخ یا مطالعات اسلامی بوده است (نمونه‌هایی مانند محمد ارکون را داریم که خود استاد مطالعات اسلامی در سوربن بود). روشن‌فکری دینی ما از فقه و سیره و دانش کلام و تفسیر سخن می‌راند و از برداشت‌های سنتی از این علوم انتقاد می‌کند، اما ارزیابی‌هایش عموماً در بستر فقهی تاریخی از این دانش‌ها نیست. سببش روشن است؛ تخصص در تاریخ دست‌کم تاکنون عامل تلاش و همچنین دغدغه روشن‌فکری دینی نبوده است. نمی‌توان از تاریخ فقه یا علوم دینی حرف زد، اما تخصص لازم و شناخت عمیق از منابع تاریخی و متون و تحول فکر دینی بر پایه شناختی متن‌محور از مکاتب و آدم‌ها در تاریخ فکر و فقه نداشت. اگر از سیره پیامبر اکرم<sup>ص</sup> حرف می‌زنیم و درباره امامت و خلافت و نسبت دین و سیاست و تشیع و غلو و اعتدال دینی و حدیث و نسبت فقه و تصوف با ولایت و... سخن می‌گوییم، باید تاریخ این مفاهیم و این سنت‌ها را به‌درستی بشناسیم. با استحسانات ذوقی نمی‌شود داری کرد. باید وارد میدان شد و متون و نسخه‌ها را خواند، خوب هم خواند. باید مجتهدانه و در عین حال فروتنانه وارد این میدان شد. روشن‌فکری دینی اگر داعیه اصلاح دینی دارد، نمی‌تواند این‌اندیشه را در فضایی انتزاعی دنبال کند. باید از آسمان انتزاعیات فرود آمد و بر زمین «بررسی‌های تاریخی» ایستاد.

## پیشینه تعطیلی مدارس در جمعه‌ها

ادبیات هر قوم آینه‌ای است که در آن بسیاری از آداب و رسوم دیرین آنان بازتاب یافته است؛ آداب و باورهایی که اگر در متون نظم و نثر آنان اشاره نمی‌شد، شاید در متون دیگر نیز یافت نشودند. در این یادداشت به یکی از آن رسومی اشاره می‌شود که تا امروز هم پابرجاست و آن تعطیلی دانش‌آموزان در جمعه‌هاست که با توجه به شواهد ذیل سابقه آن به بیش از



دکتر حسن انصاری عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی مؤسسه عالی پژوهش‌های تاریخی آمریکا

۱۰۰ سال می‌رسد.

اینک چند شاهد برای تعطیلی مدارس در جمعه:

-صائب (درگذشته سال ۱۰۸۱ قمری) چنین سروده است:

فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را/عشرت امروز بی‌اندیشه فردا خوش است (امثال وحکم دهخدا، ج ۲، ص ۱۱۰)

-نظیری نیشابوری (درگذشته سال ۱۰۲۱ قمری) گفته است:

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی/جمعه به مکتب آورد طفل گریزی را (امثال حکم دهخدا، ج ۲، ص ۷۹)

کمال الدین اسماعیل اصفهانی (مقتول به سال ۶۳۵ قمری) نیز چنین به نکته مذکور اشاره کرده است:

-ز شوق نام تو منبر همیشه در محراب/چو کودکان همه آدینه خواهد از بزدان (دیوان خالق المعانی، ص ۳۵)

همچنین سنایی (درگذشته در نیمه اول قرن ششم) نیز گفته است:

مثل شنبه اطفال، من سوی تو شنبه و تو نزد من/چون سوی کودک شب آدینه‌ای (امثال وحکم دهخدا، ج ۳، ص ۱۴۵۶)

اما کهن‌ترین مدرک برای تعطیلی مدارس در جمعه، سخن ابومنصور ثعالبی (درگذشته به سال ۴۲۹ قمری) است. او این مثل را در کتابش آورده است: «أُثْلُ مِنْ يَوْمِ السَّبْتِ عَلَى الصَّبِيَانِ؛ سنکین‌تر و سخت‌تر از روز شنبه بر کودکان!» (الثمیل و

المحاضره، ص ۱۴۱)

به این ترتیب، سابقه تعطیلی جمعه به ۱۰ قرن پیش بازمی‌گردد.

روزنامه شهرامید ورزشکی

شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۱ ۱۳۹۱ خورشیدی ۲۲۷ شماره

SHAHRAHNEWS.IR

۱۳

↓

اندیشه

نقشهٔ محصوران در آیدان شهریار

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

حسینی‌نژاد

وقتی مسعود سعد سلمان در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم در غزنین برای یکی از ومدوحنانش در دربار غزنویان، عمادالدوله ابوسعد بابو، دعای نیک مردان در «صحیفه کامله» را آرزو می‌کند، پیدا است شهرت کتاب صحیفه کامله سجاده‌به‌حدی رسیده بود که مخاطب مفهوم این اشاره را درک کند و او محتاج توضیح بیشتری درباره کتاب و منشی و محتوای آن نباشد. سنی‌مذهب‌بودن شاعر و ممدو هم مانع از آن نشده است که او در سخن خود به کتابی از امام شیعیان ارجاع دهد. ای سؤال آزمندان بر صحیفه جود تو/چون دعای نیک مردان در صحیفه کامله صحیفه سجاده‌به این مسیر را کامابیش در طول ۴۰۰سال پشت سر گذاشت

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟

● چگونه تبیین می‌شود؟